

طبقه کارگر و برگزاری اول ماه مه در ایران

گرفته بود، عواقب اجتماعات و تظاهرات کارگری را غیر قابل پیش بینی می‌ساخت. تظاهرات و راهپیمایی کارگران در تهران، هرآینه می‌توانست حمایت و همبستگی سایر اقشار زحمتکش مردم را به خود جلب کند و به یک تظاهرات عمومی پر قدرت و برآمد توده‌ای که پرچمش را کارگر برافراشته‌است مبدل کند. نمونه تظاهرات کارگران چیت سازی بهشهر در برابرچشم رژیم قرارداداشت و این مسئله ی روشنی بود که به میدان آمدن کارگران، مهره ها و نهادهای به اصطلاح کارگری رژیم را، بسان خاشاکی، حقیرانه به کنار خواهد زد. براین پایه، رژیم جرات آن را نداشت و نمی‌توانست به درخواست سرسپردگان خود برای یک راهپیمایی آرام، جواز صادر کند و به بهانه مصادف شدن ۱۱ اردیبهشت با روز وفات محمد پیامبراسلام، با آن مخالفت کرد.

خانه کارگر با گرفتن پز نارضایتی از این مسئله، خواست که خود رابه کارگران نزدیک نشان بدهد وچنین وانمودسازد که باتصمیم دولت مخالف است و حالا که دولت با راه - پیمایی کارگران موافقت نکرده است، این نهاد هم مثلابه عنوان اعتراض از برگزاری هرگونه مراسمی امتناع می‌کند و تجمع کار -گری را به روز ۲۵ تیرموکول کرد! درصحنه این تاتر، اما چهره واقعی این بازیگران شناخته شده بود و هرکارگر نیمه آگاهی می دانست و می‌داند که خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، پیش برنده تصمیمات و سیاست -های دولت هستند چنان‌که بعداهم کارگران شاهد بودند که این نهادها همه‌جا در برخورد

کارگران ایران امسال در شرایط ویژه‌ای به استقبال اول ماه مه روزجهانی کارگر رفتند. درآغاز، خانه کارگر از وزارت کشوراجازه خواست که کارگران درروزبازده اردیبهشت، به سمت وزارت کار راه پیمایی کنند و تضمین داد که با مراقبت و اعمال کنترل این نهاد، راهپیمایی کارگران، در کمال آرامش برگزار شود. رژیم که می دانست خانه کارگردرمیان کارگران فاقد اعتبارو نفوذ تعیین کننده‌است و اکثریت کارگران به این نهاد، مطلقا بی اعتماد هستند، بدیهی بود که نسبت به قدرت کنترل کننده این نهاد تردید کند و تضمین‌های توخالی سران آن را به هیچ گیرد. به ویژه آن که، بارهابه تجربه ثابت شده بود، اجتماعاتی که این نهاد، با نیت و مقاصد ویژه خود برپا می کند وسی می کند آن را مهار و کنترل نموده و هر طور که خواست هدایت کند، درعمل، خود کارگران ابتکارعمل را به دست می گیرند و چه بسا، نقشه های این نهاد ارتجاعی رانقش برآب می‌کنند. در عین حال شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی امسال، ازسال گذشته و سال‌های گذشته بسیار حساس تر شده بود. نه فقط اوضاع عمومی درکارخانه‌ها و محیط های کارگری بحرانی تر شده بود و نارضایتی - های کارگری و روحیه اعتراضی در این محیط هابالاتر رفته بود و نه فقط نارضایتی عمومی توده های مردم نیز افزایش یافته بود، بلکه در جو سیاسی متأثر از تحولات منطقه به‌ویژه حمله نظامی آمریکا به عراق و اشغال آن که جامعه، حالتی شبیه به انتظار وقوع یک حادثه یا انفجار را به‌خود

طبقه کارگر و برگزاری اول ماه مه در ایران

به اول ماه مه روز جهانی کارگر، آن طور که رژیم می خواست عمل کردند و سعی کردند روز کارگر راتحت الشعاع مراسم مذهبی قرار دهند و اینجا و آنجا با سازماندهی مراسمی به همین مناسبت، اصل قضیه، یعنی روز کارگر و خواست های کارگری را ماستمالی کنند. پاسخ کارگران به این عوامفریبان آبرویخته و نوکران بورژوازی در درون جنبش کارگری، معلوم بود. مراسم فرمایشی تشکل های رژیم، همهجا وسیعا از جانب کارگران بایکوت شد و درهرجا که شماری از کارگران به علل خاصی در این نوع مراسم شرکت کرده بودند، از این تریبون استفاده کردند و علیه سیاست های رژیم و پیرامون مشکلات خود سخن گفتند. در مراسم خانه کارگر تهران در روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت که در جمعیت فرمانده نیروهای نظامی تهران این قلع و وقع کننده اعصاب و تظاهرات کارگری برگزار شد، وقتی که حسن صادقی مشغول صحبت و توجیه کردن وضعیت موجود بود، عده ای از کارگران با سر دادن شعار هایی، سخنان وی را قطع کردند و در حالی که پلاکاردهایی که بر آن، " مرگ بر سرمایه دار" و " مرگ بر استعمار" نوشته شده بود، در میان کارگران دیده می شد، نسبت به عدم کفایت دستمزد ها، محرومیت از حق اعتراض و اعتصاب و سیاست های سرکوب - گرانه رژیم اعتراض کردند و در پایان تجمع نیز خواهان قطع قرائت قطعنامه شدند. در عین حال کارگری زمین جمعیت پشت تریبون رفت و گفت " ۲۵ سال است که به کارگران جز دروغ و وعده چیز دیگری داده نمی شود!" غیر از تهران، در برخی دیگر از شهرها، به ویژه در شهرهای کردستان از جمله سقز و سنندج نیز، رژیم با جلوانداختن تشکیلات دست ساز خود، مراسمی نمایشی با رنگ و بوی مذهبی برگزار نمود که بابت اعتنایی و تحریم کارگران روبرو گردید.

معهدا به رغم ممنوعیت برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه توسط کارگران، در اکثر شهرهای بزرگ، کارگران ایران روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. هر جا توانستند با برگزاری مراسم علنی و در اکثر موارد، به صورت غیر علنی و به شیوه ها و اشکال مختلفی این روز را جشن گرفتند و همبستگی خویش را با کارگران درسراسر جهان اعلام داشتند. در تهران صدها تن از کارگران و فعالین کارگری، از جمله کارگران فلزکار مکانیک تهران، بافنده سوزنی، خباز، انجمن صنفی برق صنعتی و انجمن صنفی سنگرکارها، روز ۱۱ اردیبهشت در استادیومی واقع در جاده ساوه، تجمع کردند و به استقبال روز جهانی کارگر رفتند. افزون بر این، چندین مراسم دیگر در پارکها و اماکنی در اطراف تهران و کرج برگزار گردید که هزاران تن از کارگران صنایع و کارخانه - های کرج و تهران و اعضاء خانواده آنها در آن شرکت کردند. در اهواز بیش از ۳۰۰ تن از کارگران روزاول ماه مه دست به تظاهرات زدند.

در خراسان، آذربایجان، فارس و برخی دیگر از استان ها نیز، کارگران عمدتا به صورت مخفیانه و یا با استفاده از پوشش های طبیعی، مراسمی در گرامی داشت روز جهانی کارگر برگزار نمودند. در کردستان نیز بعد از مخالفت رژیم با برگزاری مراسم مستقل و علنی اول ماه مه، به دعوت کارگران بوکان، مراسمی در بزرگداشت روز جهانی کارگر در بیرون از شهر به صورت مخفیانه برگزار گردید که کارگران سقز و مهاباد نیز در آن شرکت داشتند. در سنندج و برخی دیگر از شهرهای کردستان نیز، کارگران در اشکال مختلفی این روز را گرامی داشتند.

برخلاف مراسم خانه کارگر و شورا های اسلامی کار که در کم رنگ کردن و به حاشیه راندن روز جهانی کارگر و دادن رنگ و بوی مذهبی به این مراسم و تحت الشعاع قرار دادن آن با این یا آن آئین ارتجاعی و مذهبی که گاه حثاتا نوحه خوانی و سینه زنی هم تداوم یافت و در نهایت فقط به برخی جنبه های وضعیت کار و زندگی کارگران و خواست های کارگری آن هم به طور ناقص و گذرا اشاره شد، در مراسم متعدد مستقلی که از سوی کارگران برگزار شد، کارگران با اجرای شعر خوانی و ترانه سروده های انقلابی و پخش گل و شیرینی این روز را جشن گرفتند. در این مراسم که فعالیت و مشارکت زنان کارگر بسیار چشم گیر بود، افزون بر سخن رانی پیرامون اوضاع اقتصادی و معیشتی کارگران، مطالبی پیرامون تاریخچه اول ماه مه، تاریخچه سندیکاها، ضرورت اتحاد و یک پارچگی کارگران در برابر سرمایه داران، نفی استثمار و نظام سرمایه داری و پیرامون راه نجات کارگران از این نظام نیز قرائت گردید و همه جا بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید شد. کارگران با تصویب و صدور قطعنامه هایی، صریح و روشن به طرح خواست های خویش پرداخته و خواستار افزایش دستمزدها، برابری حقوق زنان و مردان کارگر، حق تشکل و اعتصاب، قرار گرفتن کلیه کارگران زیر پوشش قانون کار، خروج ائتلاف امپریالیستی به رهبری آمریکا از عراق، توقف خصوصی سازی ها، پرداخت حقوق های عقب افتاده و تضمین شغلی شدند.

این درست است که رژیم از وحشت اوج گیری اعتراض و مبارزه کارگری برای طرح خواست ها و مطالبات خویش، از برگزاری علنی مراسم اول ماه مه ممانعت به عمل آورد، اما اولاً برگزاری مراسم اول ماه مه در همین ابعادی که فوقابنه آن اشاره شد آنها در شرایط خفقان و سرکوب پلیسی و به رغم ممنوعیت آن، بیانگر آگاهی کارگران از اهمیت روز جهانی کارگر به عنوان روز ابراز وجود طبقه کارگر در برابر طبقه سرمایه دار است. ثانیاً تا آنجا که مسئله به خواست ها و مبارزه کارگری بر می گردد، این خواست ها و مطالبات، مادام که پاسخی نگرفته اند باقی خواهند ماند و مبارزات کارگری برای دست یابی به آن ادامه خواهد

یافت. شرایط بسیار وخامت بار اقتصادی و معیشتی، بی حقوقی مفرط و وضعیت به غایت مشقت باری که سرمایه داران و دولت آنها بر کارگران ایران و خانواده های کارگری تحمیل کرده اند فوق العاده دشوار و حقیقتاً از حد و حدود تحمل کارگران خارج شده است. وخامت اوضاع به جایی رسیده است که این موضوع حتادرتعنا به پایانی مراسم خانه کارگری ها در تهران نیز انعکاس یافته و چنین آمده است: " عرصه به شدت برای نیروی کار تنگ شده و این زحمتکش اجتماعی بیش از این نه تنها نمی تواند تحمل مصائب موجود را داشته باشد، بلکه حجم مشکلات به نوعی بر ما چیره شده که بی تردید در آینده قادر نخواهیم بود برخی مصلحت اندیشی ها را که تا کنون به آن پای بند بودیم رعایت کنیم"

وقتی که خانه کارگرتا این حد از "مصائب" و " حجم مشکلات" شکوه می کند، تصور اوضاع واقعی چندان مشکل نیست. واقعیت آن است که هم اکنون خشم و کینه تراکم یافته در محیط های کارگری، ناراضی و روحیه اعتراضی در میان کارگران به قدری بالاست که کارگزاران رژیم که خود در این محیط ها حضور دارند، مرتباً دارند آن راهشدار می دهند و برای پیش گیری از انفجار این خشم راه جویی می کنند. چند روز پیش آقای اسماعیل محمد ولی عضو تحریریه روزنامه کار و کارگر در گفتگو با رادیو فرانسه گفت:

"آن چه در محیط های کارگری مشاهده می شود یک خشم عمومی هستش یعنی این خشم اگر قدرت ابراز پیدا نکند زیر زمینی می شود و آن وقت ما با یک اتفاقی برخورد می کنیم مثل اتفاقی که در مورد دانشجویان افتاد" نامبرده با آوردن یک مثال، خطر به خیابان آمدن کارگران را چنین تصویر می کند:

" تظاهرات اخیر ماه شهر فکر می کنم دلیل قانع کننده ای باشد برای این که به هر حال ما داریم به بن بست می رسیم. ماه شهر با ۵۰۰ کارگر وقتی وارد خیابان ها شدند ۲۰۰ نفر شدند!" راست این است که رژیم و کارگزاران رنگارنگ آن از برآمد طبقه کارگر سخت وحشت دارند. اول ماه مه این را نشان داد و در عین حال نشان داد که کارگران به اهمیت همبستگی طبقاتی و ضرورت اتحاد خویش واقف اند. از طرف دیگر در تحولات آتی و چند و چون آن، نقش طبقه کارگر، نقشی منحصر به فرد و بلاتردید از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است به نحوی که هیچکس نمی تواند این طبقه را از محاسبات سیاسی خود حذف کند و یا در این تحولات آن را نادیده بگیرد. از همین جاست که فلان انجمن اسلامی وابسته به دفتر تحکیم وحدت یا رضا پهلوی و امثال این ها نیز اول ماه را کشف می کنند و به این مناسبت اطلاعی می دهند! اینان نیز از این طریق بر نقش بی همتای طبقه کارگر صحه می نهند. جامعه بی صبرانه در انتظار ورود طبقه کارگر به صحنه است و کارگران راه دیگری ندارند جز آن که متحد و یک پارچه به میدان آیند، مهر خویش را بر تحولات آتی بکوبند تا خود و جامعه را رها سازند.